

ایران - مسقط

عهدنامه مودت و تجارتی

بیستم شعبان ۱۲۷۲ هـ. ق. / بیست و ششم آوریل ۱۸۵۶ م.

درآمد:

در مورد علت انعقاد این عهدنامه، صاحب فارسانه ناصری در ذیل وقایع سال ۱۲۷۲ ق.

می نویسد:

«... و چون صید سویی [= ثوینی] از بندرعباس فرار کرده وارد مسقط گردید و صید سعیدخان امام مسقط درک مطلب نمود که ملکی مثل بندرعباس و مضافات را به زور نتوان نگاه داشت، در خیال تدارک افتاد و حاجی عبدالمحمد ملکالتجار بوشهری را بخواست و او را وانمود که عبور کشتی تجارتی تجار بنادر فارس بی مرور از مسقط صورت نگیرد و با این حالت که بندرعباس چندین ساله را از تصرف من گرفته اند، لابد کشتیها و مالالتجاره را در مسقط محبوس می دارم و این معنی باعث خسران در عمل گمرکخانه های بنادر و زیان تجار خواهد بود و تا دولت ایران کشتی جنگی دولتی ندارند دست تسلطی بر مسقط نخواهند داشت و تا تدارک کشتی کنند چندین سال خواهد گذشت، بهتر آن است که پای در میانه گذاشته به اذن اولیای دولت علیه کمافی السابق بندرعباس را به من واگذارند و مالالمقاطعه را دوچندان، بلکه بیشتر در هر سالی تسلیم کارگزاران ایالت مملکت فارس نمایم، پس به صوابدید عبدالمحمد ملکالتجار بوشهری صیدسعیدخان امام مسقط شیخ عبدالله مسقطی را با یک رشته مروارید درشت غلطان و چند اسب عربی نجدی و تفنگ های زر نشان و عریضه ضراعت آمیز مشعر بر خدمتگزاری روانه طهران بداشت و حاجی عبدالمحمد ملکالتجار بعد از ورود به بوشهر عریضه [ای] جداگانه مبنی بر خیرخواهی دولت و صلاح حال رعیت به صحابت امینی از خود بهد از ورود شیخ عبدالله مسقطی به طهران خدمت امنای دولت علیه فرستاده و امام مسقط بعد از حرکت شیخ عبدالله و حاجی عبدالمحمد بوشهری از مسقط مال اندیشی نموده، حاجی محمدعلی مشهور به تاجر کسایی را که منصب وزارت مسقط و بز عثمان را داشت و محل وثوق امام مسقط بود با پیشکشی لایق برای

جناب جلالت‌آب میرزا آقاخان صدراعظم و وزیر معظم دولت علیه ایران روانه بوشهر نمود و باز به توسط حاجی عبدالمحمد عریضه [ای] به دارالخلافه نگاشت و مکتون خاطر را عرضه داشت و جناب صدراعظم استدعای صیدسعیدخان امام مسقط را معروض دربار شهرباری داشته مشروط به شانزده شرط قرین اجابت افتاده.

طرح نخستین این قرارداد گویا شامل هفده ماده بوده، ولی بعداً ماده هفدهم آن که مبنی بر ضمانت دولت فرانسه از صیدسعید بوده حذف گردیده. محمدتقی سپهر در جلد سیم تاریخ قاجار از مجلدات ناسخ التواریخ می‌نویسد:

«پذیرفتن مسئول امام مسقط را به صلاح و صواب دانست، لکن امضای این امر را به اجرای هفده شرط معلق داشت. بعد از آگهی حاجی عبدالمحمد از مکتون ضمیر اولیای دولت، از آنجا که شرایط هفده‌گانه در میانه ثقلی انداخت انجام این امر به درازا کشید... و صید ثوینی در پذیرفتن شانزده شرط هیچ اکراه خاطر نفرمود، اما در پذیرفتن شرط هفدهم که «پایندانی [= ضمانت] و ضمانت کارداران فرانسه در امر امام مسقط بوده» تقاعد ورزید و از این روی امضای این امر به تعویق رفت... صید ثوینی گفت: «در پذیرفتن شرط هفدهم دولت ایران را زیانی باشد و نیز ما را نقصانی بود. اما زیان دولت ایران آن است که همیشه مسقط و بندرعباس و دیگر اراضی سواحل بحر، مقهور این دولت بود و... اما نقصان ما آن است که پذیرفتاری شرایط شانزده‌گانه و عمل حکومت بندرعباس با ثقل این شرایط از بهر آن است که کاردان دول خارجه ما را از عمال دولت ایران شمارکنند و ما به پشتوانی دولت ایران مکاتی به دست کنیم، اگر دولت بیگانه ضمانت ما کند ما را آن مکانت نماند». چون سخنان او با صدق و صواب قرینی داشت حاجی عبدالمحمد اجابت را به قدم قبول تلقی نمود...»

۱. جهت کسب اطلاع بیشتر رک: یکصد و پنجاه سند تاریخی، سند شماره ۸۰ نیز رک: بحرین و مسایل خلیج فارس، ۱۴۵.

صورت قرارنامه بندرعباسی بتوسط امام مسقط

فهرست مندرجات

مقدمه

- فصل اول - تبعیت حاکم بندرعباس بر دولت علیّه ایران.
- فصل دویم - در باب تشریفات راجعه به مالیات و پیشکش.
- فصل سیّم - در باب خندق دور قلعه بندرعباسی.
- فصل چهارم - در باب مدت حکومت امام مسقط.
- فصل پنجم - در باب بیدق و مستحفظین مربوطه، در باب تشریفات اعیاد.
- فصل ششم - در باب تبعه بندرعباسی.
- فصل هفتم - در باب مکان‌هایی که مجاز به تصرف آنها نباشند.
- فصل هشتم - در باب تشریفات حکام فارس و لارستان.
- فصل نهم - در باب تشریفات و رسانیدن سیورسات به حکام مکران و بلوچستان.
- فصل دهم - در باب عزل حاکم بندرعباسی.
- فصل یازدهم - در باب فراریان مملکت فارس.
- فصل دوازدهم - در باب فسخ شروط و قرار.
- فصل سیزدهم - در باب عدم عبور مأمورین دول خارجیّه از ملک امام مسقط.
- فصل چهاردهم - در باب عدم واگذاری بندرعباسی به غیر.
- فصل پانزدهم - در باب حقوقی که بر مال التجاره تبعه دولت ایران قرار می‌گیرد.
- فصل شانزدهم - در باب تنخواه تجار. سواد تبعیت حاکم بندرعباسی.

صورت قرارنامه بندرعباسی که جناب امام مسقط را به حکومت آن جامامور فرمودند و اصل این قرارنامه با نوشته تبعیت حاکم بندرعباسی به دولت علیّه ایران نزد مقرب الخاقان آقا محمد حسن صندوقدار در صندوقخانه مبارکه برحسب حکم اقدس همایون ضبط شده است.

چون برحسب امر و اجازت اولیای دولت قاهرة الباهره خلدالله تعالی دوام شوکته و امره حکومت بندرعباسی و جزیرتین قشم و هرموز^۱ و محال عیسین^۲، تازیان و شمیل و میناب و بیابان و بندر حمیر که همگی ملک مختصی دولت علیّه ایران است از قرار شروط و قیود شانزده گانه مقررّه مفصله به کارگزاران جناب جلالت و نبالت پناه، مجددت و نجدت و شوکت انتباه، شہامت و ایالت و بسالت همراه، صید سعیدخان، امام مسقط و عمان واگذار و مفوض کردند که از قرار همین شروط و قیود مقررّه رفتار نموده و هیچ شرطی از شروط را مهمل و متروک نگذارند:

اولاً - آن که حاکم بندرعباس باید تابع این دولت باشد و مثل سایر حکام فارس در اطاعت فرمانفرمای فارس باشد و نوشته خدمت اولیای علیّه بسپارد که بعد از [این] تبعه دولت ایرانم.

ثانیاً - همه ساله مبلغ شانزده هزار تومان از بابت مالیات و پیشکش و تعارف از او به دارالخلافه طهران یا دارالعلم شیراز از قرار تفصیل در چهار قسط کارسازی نموده از کارگزاران دیوان اعلیٰ سند خرج بگیرند: مالیات دوازده هزار و پانصد تومان، پیشکش

۱ - هرمز.

۲ - اصل: عیسین.

استمراری بندگان صدراعظم دوهزار تومان، پیشکش سرکار فرمانفرمای فارس هزار تومان، تعارف مقرب‌الخاقان شجاع‌الملک پانصد تومان.

ثالثاً - خندقی که بناگذارده و در دور قلعه بندرعباسی حفر می نمودند پر نمایند و بعد از این هم ابدأ خندق را حفر نکنند.

رابعاً - مدت بیست سال اختیار حکومت آنجا با جناب امام مسقط و اولاد امجاد او باشد، بعد از انقضاء مدت بیست سال آنجاها را معمور و آباد نموده به دولت واگذار نمایند، اگر در ثانی باز اولیای دولت علیه خواستند حکومت آنجا را به امام مسقط و اولاد او واگذار نمایند به اقتضای رأفت فرمان و دستورالعمل خواهند داد، والا اختیار خواهند داشت که خود تصرف کرده حاکم دیگر بگمارند.

خامساً - بیدق دولتی با چند نفر مستحفظ بیدق و یک نفر تذکره‌چی همیشه در آنجا بوده رعایت شرایط بیدق دولت را منظور دارند که در هر ماه چاهار دولت به جهت آوردن روزنامه و سرکشی بیدق دولت و عمله بیدق به آنجا بیایند و در ایام اعیاد و روز مولود بندگان مسعود بندگان اقدس شهریاری روحفداه، توپ شادی و مبارکباد را بلند آوا سازند و همچنین هر شب و صبح شلیک توپ وارده نمایند.

سادساً - حکام بندرعباسی و رعایا و قاطبه ساکنین آنجا که در دست حاکم بندرعباس خواهند بود در این چند سال خدمت به دولت کرده‌اند به هیچ وجه در مقام ایداء و اذیت و بهانه‌جویی با آنها برنیایند و کمال رعایت و سرپرستی از آنها به عمل بیاورند.

سابعاً - حاکم بندرعباسی سوای از بندرعباس و جاهایی که در عهد خاقان علیتین آشیان فتحعلی‌شاه مبرور در دست داشته و حال نیز مرقوم است، زیاده از آن به جای دیگر دخل و تصرف نکند.

ثامناً - هرگاه فرمانفرمای فارس یا حکمران لارستان بر سبیل تفرج و شکار

خواسته باشند به آن جا روند، حاکم بندرعبّاس مثل سایر حکام شرایط خدمتگذاری و استقبال و لوازم احترام را به عمل آورد.

تاسعاً - اگر برای حکام فارس یا کرمان به جهت مهمی لازم شود که قشون به صفحات کیج و مکران و بلوچستان بفرستند مثل سایر حکام ولایات در لوازم خدمت و رسانیدن سیورسات و بلد و بدرقه و این طور چیزها اهمال نکرده خودداری ننمایند.

عاشراً - اگر فرمانفرمای فارس قصوری در خدمتگذاری حاکم بندرعبّاس مشاهده نماید به محض اخبار به جناب امام مسقط بدون عذر و اهمال فوراً او را عزل کرده حاکم دیگر که امام مسقط مصلحت بدانند و در اطاعت حاکم فارس باشد به جای او گمارد.

حادی عشر - هرگاه از رعایای لارستان و سبعه و سایر مملکت فارس یا از رعایای مملکت کرمان به آنجا بیایند و به آن حدود فرار کنند به محض اظهار و اعلام، ضابط آن محل آنها را به موطن اصلی خودشان معاودت دهد.

ثانی عشر - این شروط و قرارداد با جناب امام مسقط صیدسعیدخان حیّ و حاضر و اولاد امجاد اوست، اگر متقلّبی مالک عمّان و مسقط شود دولت ابد مدّت را با او شرطی و قراری نیست.

ثالث عشر - مادام که بندرعبّاس و جزیرتین مرقومتین و شمیل و میناب و سایر متعلقات آنها در دست کسان جناب امام مسقط است احدی از مأمورین دول خارجه را در آن جا راه ندهند و متعهد بشوند حفظ و حراست آن جا را که در دست اوست برآ و بحرآ به انضمام هر مکان و محلی که استعداد توقف جهاز و بغله و کشتی جنگی داشته باشد و لنگرگاه برآن صادق آید که از خاک دولت علیّه مفوّض به اوست صراحتاً و متعهد بشود که جمیع حدود و سنورات مذکوره را از مداخله و دستبرد غربا و اجنبی، اعم از راه دوستی و دشمنی باشد، محفوظ بدارد و وقتاً من الاوقات به هیچ وجه نگذارد یک کشتی و بغله و جهاز یکنفر محارب و دشمن با اسلحه یا بی اسلحه خواه عرب یا غیر

عرب یا از دول خارجه از حدود و امکنه مزبوره به خیال عداوت و دشمنی یا به بهانه دیگر پا به خاک این حدود و به جاهایی که در دست بندرعباس است بگذارد.

رابع عشر - امام مسقط حق ندارد که بندرعباسی و ولایات مزبوره را اگر چه به شرایط مذکوره هم باشد به دیگری اعم از دول خارجه و غیره واگذار نماید، مگر باید به موجب قرارداد به دست خود آن باشد و بک نفر از کسان و منسوبان او در بندرعباس و آن ولایات از جانب او دخل و تصرف کند لاغیر و به شرایط مرقومه باید عمل نماید.

خامس عشر - از قراری که تجار و تبعه دولت علیّه ایران به عرض رسانیدند سابقاً شخص هندویی مستاجر گمرکخانه مسقط عاملی از جانب خود مقیم بندرعباسی می‌نموده است و تنخواه مال‌التجاره تبعه دولت علیّه ایران را که از بندرعباس حمل هندوستان و جاهای دیگر می‌شد، عشور مسقط را در بندرعباسی دریافت می‌کرده و حال آن که در هیچ دولت و ولایتی چنین رسمی نیست تنخواهی که وارد ولایتی نشود، معذالک عشور آن ولایت را از آن تنخواه اخذ و دریافت کنند. چون این فقره بدعت و خلاف قاعده است، لهذا باید امام مسقط این فقره را موقوف دارد تا رفع این بدعت بعدالیوم بالمّرّه شده باشد و اجناس مال‌التجاره که از طرف برّ و بحر وارد بندرعباسی شود آن هم به نحوی که شیخ سیف در حال حیات^۳ خود عشور می‌گرفته بگیرند و زیاده از سابق مطالبه عشور ننمایند.

سادس عشر - تنخواه تجار محجره در جزیره قشم باید به بندرعباسی آورده به توسط عالی‌جاه خیرالحاج حاجی عبدالحمید ملک‌التجار بندر ابوشهر به وکلای تجار که ساکن عباسی هستند تحویل داده و قبض‌الواصل دریافت و ارسال دارالخلافه الباهره نمایند. حرّر ذالک فی عشرون من شهر شعبان المعظم سنه یک‌هزار و دوست و هفتاد و دو (۱۲۷۲ ق.) مطابق سال لوی‌ئیل.

به موجب تفصیل هذه سته عشر القیود و الشروط المقررات المسطورات فی هذه الورقه الذی امناءالدولة العلیة الايران قدروه صحیح و قبول و إن شاء الله تعالی من

بعدالیوم من طرفنا بالوقع اختلاف ابدأ حرره فی عشرون من شهر شعبان المعظم سنة اثنی و سبعین و مأتین بعد الف من الهجرة النبویه علی هاجرها الف والسلام و التحیة.

صحیح و قبول ذالک مما مکتوب الفقیر الحقیر سعید ابن سلطان احمد

محل مهر امام مسقط

صحیح است ثوین ابن سعید ابن سلطان

محل مهر او

صحیح الفقیر الله محمد ابن سالم ابن سلطان

محل مهر او

صحیح الفقیر الله محمد ابن سالم ابن سلطان

محل مهر او

سواد نوشته تبعیت حاکم بندرعباسی است که اصل در خزانه نزد
مقرب الخاقان آقا محمد حسن صندوقدار ضبط است.

بنده درگاه آسمان جاه سلطانی سعید ابن احمد خود را از تبعه و چاکران و بستگان
دولت ایران «صاتها لله تعالی عن الحدثان» می دانم و حکومت بندرعباسی و جزیرتین
قشم و هرموز و شمیل و میناب و بیابان و عیسین و نازیان که واگذار به این بنده درگاه
آسمان جاه سلطانی شده است متعهد است که تنخواه قسط دیوانی بندرعباس و سایر را
موافق تشخیص در رقم مرحمت شیم قسط بقسط بدون تعطیل کارسازی نمایم و اسناد
خرج به جهت خود صادر کنم و در سرپرستی رعایا و آبادی آن جا کمال اهتمام را به
عمل آورم و امری که منافی رأی اولیای دولت قاهره باشد بر آن اقدام نورزم و اگر
خدای نخواستہ سهواً ترک اولی و خلاف حکمی از بنده درگاه صادر شود حکمش با
اولیای دولت است، به آن چه بفرمایند مختارند.

حرر فی بیستم شهر شعبان المعظم مطابق سال لوی ثیل خیریت تحویل سنة
یک هزار و دویست و هفتاد و دو هجری نبوی.

محل مهر حاکم بندرعباسی

درفش کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>